

نام کتاب:

# شهوت و عفاف

نویسنده:

آیه الله ناصر مکارم شیرازی

تهیه شده توسط: [سایت حجاب آنلاین](#)

[مشاهده کتاب های دیگر در زمینه زنان ، عفاف و حجاب](#)

با تشکر از [سایت راه بهشت](#) به خاطر تایپ کتاب

## فهرست

|       |   |    |
|-------|---|----|
| ..... | اشاره                                   | ۴  |
| ..... | بلاى شهوت پرستى در طول تاريخ            | ۸  |
| ..... | شهوت پرستى در روايات اسلامى             | ۱۴ |
| ..... | معنى شهوت                               | ۱۶ |
| ..... | آثار زيان بار شهوت                      | ۱۷ |
| ..... | ۱- آلودگى به گناه                       | ۱۷ |
| ..... | ۲- فساد عقل                             | ۱۹ |
| ..... | ۳- تضعيف شخصيت اجتماعى انسان            | ۱۹ |
| ..... | ۴- اسارت نفس                            | ۲۰ |
| ..... | ۵- رسوايى و بى آبرويى                   | ۲۰ |
| ..... | کنترل شهوات                             | ۲۱ |
| ..... | عوامل شهوت پرستى                        | ۲۲ |
| ..... | ۱- فساد عقل                             | ۲۲ |
| ..... | ۲- ضعف ايمان                            | ۲۲ |
| ..... | ۳- بى اعتنائى به شخصيت اجتماعى و انسانى | ۲۳ |
| ..... | ۴- غفلت و بى خبرى                       | ۲۳ |
| ..... | ۵- معاشرت ها و محيط هاى نامناسب         | ۲۳ |
| ..... | ۶- تضعيف شخصيت اجتماعى انسان            | ۲۴ |
| ..... | راه هاى درمان                           | ۲۵ |
| ..... | ۱- راه علمى                             | ۲۵ |

۲- راه عملی ..... ۲۶

۳- سایر راههای درمان ..... ۲۷

شکم پرستی و شهوت جنسی ..... ۲۸

پی نوشت ها: ..... ۳۱

«شهوت» در لغت دارای مفهوم عامی است که به هر گونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی اطلاق می‌شود؛ گاهی علاقه شدید به یک امر مادی را نیز شهوت می‌گویند .

مفهوم شهوت، علاوه بر مفهوم عام، در خصوص «شهوت جنسی» نیز به کار رفته است. واژه «شهوت» در قرآن کریم هم به معنی عام کلمه آمده است و هم به معنی خاص آن. در این بحث، نظر ما بیشتر به معنای خاص آن است، زیرا آثار مخرب و زیانبار آن بیش از سایر کشش‌های مادی است .

«شهوت» نقطه مقابل «عفت» است. «عفت» نیز دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویشتن داری در برابر تمایلات بی‌بند و بار جنسی است .

«عفت» یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است؛ اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود .

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که اشخاص یا جوامعی که بهره کافی از عفت داشته‌اند، از نیروهای خداداد خود، بالاترین استفاده را در راه پیشرفت خود و جامعه خویش برده و در سطح بالایی از آرامش و امنیت زیسته‌اند، اما افراد یا جوامعی که در «شهوت پرستی» غرق شده‌اند، نیروهای خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته‌اند .

طبق نظر کارشناسان حقوقی، «شهوت جنسی» در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جایی که گفته شده است: «در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه‌آمیز باشد، ولی به یقین منشأ بسیاری از جنایات و انحرافات، طغیان «غریزه جنسی» و شهوت پرستی است. خون‌های بسیاری در این راه ریخته شده و اموال فراوانی برباد رفته، اسرار مهم کشورها به وسیله زنان جاسوسی که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از زیبایی و آلودگی‌ی‌شان بوده، افشا شده و آبروی بسیاری از آبرومندان در این راه ریخته شده است .

طبق بیان آیات و روایات در می‌یابیم که یکی از ابزارهای مهم شیطان همین «شهوة جنسی» است. در قرآن کریم در موارد مختلف به «عفت» و «شهوة پرستی» اشاره شده است که ما در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم :

۱- فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت فسوف یلقون غیا \* الا من تاب و آمن و عمل صالحا فاولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون شیئا(سوره مریم، آیه ۶۰ و ۵۹)

۲- والله یرید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما(سوره نساء، آیه ۲۷)

۳- و لوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین \* انکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان کنت من الصادقین (سوره عنکبوت، آیه ۲۹ و ۲۸)

۴- و لما جاءت رسلنا لوطا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا یوم عصیب \* و جاءه قومه یهرعون الیه و من قبل کانوا یعملون السیئات قال یا قوم هؤلاء بناتی هن اطهر لکم فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی الیس منکم رجل رشید \* قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و انک لتعلم ما نرید \* قال لو ان لی بکم قوه او اءوی الی رکن شدید \* قالوا یا لوط انا رسل ربک لن یصلوا الیک فاسر باهلك بقطع من الیل و لایتلفت منکم احد الا امراتک انه مصیبهها ما اصابهم ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب \* فلما جاء امرنا جعلنا علیها سافلها و امطرنا علیها حجاره من سجیل منضود \* مسومه عند ربک و ما هی من الظالمین ببعید (سوره هود، آیه ۸۳ و ۷۷)

۵- کذبت قوم لوط بالنذر \* انا ارسلنا علیهم حاصبا الا اءال لوط نجینا هم بسحر (سوره قمر، آیه ۳۴ و ۳۳)

۶- و لوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العلمین \* انکم لتاتون الرجال شهوه من دون النس آء بل انتم قوم مسرفون \* و ما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریبتکم انهم اناس یتطهرون \* فانجیناه و اهله الا امراته کانت من الغابرین - و امطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبه المجرمین (سوره اعراف، آیه ۸۴ و ۸۰)

ترجمه :

۱- اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!

مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد.

۲- خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید.

۳- و لوط را فرستادیم، هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است.

آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلس‌تان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟!» اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور!

۴- و هنگامی که رسولان ما (فرشتگان عذاب) به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را شناخت و ترسید، قوم تبه‌کار مزاحم آنها شوند).

قوم او (به قصد مزاحمت میهمانان) به سرعت سراغ او آمدند - و قبلاً کارهای بد انجام می‌دادند - گفت: «ای قوم من! این‌ها دختران من هستند، برای شما پاکیزه‌ترند (با آنها ازدواج کنید و از زشتکاری چشم‌پوشید!)، از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید. آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!»

گفتند: «تو می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم!»

گفت: «افسوس!» ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم، یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آن‌گاه می‌دانستم با شما زشت‌سیرتان دمنش چه کنم!)

(فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار تویم؛ آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده‌ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند، مگر همسرت که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می‌شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟! »

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ (گل‌های متحجر) متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم .

(سنگ‌هایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از (سایر) ستمگران دور نیست !

۵- قوم لوط انذارها (و هشدارهای پی در پی پیامبرشان) را تکذیب کردند. ما بر آنها تند بادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگهان نجاتشان دادیم !

۶- (و به خاطر آورد) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! »

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسراف‌کار (و منحرفی) هستید»

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «این‌ها را از شهرتان بیرون کنید که این‌ها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما هم صدا نیستند!)»

(چون کار به این جا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم، جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود . و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت). پس بنگر که سرانجام کار مجرمان چه شد !

## بلای شهوت پرستی در طول تاریخ

در نخستین آیه، بعد از ذکر نام گروهی از پیامبران الهی و صفات برجسته و والای آن بزرگواران، می‌فرماید: «ولی بعد از آنها، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید؛ فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا». [۱]

و بلافاصله بعد از آن - به عنوان یک استثناء - می‌فرماید: «مگر آنها که توبه کردند و ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد؛ الا من تاب و آمن و عمل صالحا فاولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون شیئا» [۲].

شایان توجه این که بعد از مساله ضایع کردن نماز، سخن از پیروی «شهوات» و به دنبال آن، گمراهی به میان آمده است. این تعبیر حساب شده از یک سو اشاره به آن است که نماز، عامل مهمی برای شکستن «شهوات» و خود کامگی‌ها و هواپرستی‌هاست؛ همان طور که در آیه ۴۵ سوره عنکبوت آمده: «...ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» و از سوی دیگر نشان می‌دهد که سرانجام «شهوت پرستی»، گمراهی و ضلالت است، همان گونه که در آیه ۱۰ سوره روم آمده است: «ثم کان عاقبه الذین اساءوا السوء ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یستهزئون؛ سپس سرانجام کار کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به این جا رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!»

آری! آنها گمراه می‌شوند و به کیفر گمراهی خود؛ یعنی، آتش قهر و غضب الهی گرفتار خواهند شد.

روشن است که «شهوات» در این جا مفهوم وسیعی دارد و منحصر به «شهوت جنسی» نیست، بلکه هر گونه تمایل افراطی نفسانی و هواپرستی را شامل می‌شود. البته کسانی که توبه کنند و ایمان خود را که به خاطر گناه ضربه دیده است تجدید نموده و به سراغ اعمال صالح بروند، اهل بهشت خواهند بود و آثار تزییع نماز و پیروی شهوات از وجودشان برچیده خواهد شد



در دومین آیه، ضمن بیان مقابله آشکار میان «بازگشت به سوی خدا» و «پیروی از شهوات»، و اشاره به این که این دو موضوع در دو جهت مخالف، حرکت می کنند، می فرماید: «خدا می خواهد توبه شما را بپذیرد و شما را ببخشد و از آلودگی پاک سازد؛ اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما به کلی (از راه حق) منحرف شود؛ و الله یزید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما». [۳]

آری! آنها که غرق گناه و شهوتند، می خواهند دیگران را نیز هم رنگ خود سازند و از سر تا پا آلوده گناه کنند؛ در حالی که خداوند می خواهد مردم با ترک شهوات به سوی او بازگردند و غرق معرفت و نور و صفای تقوا و قرین سعادت و خوشبختی شوند

به گفته مفسران بزرگ، منظور از «میل عظیم»، هتک حدود الهی و آلوده شدن به انواع گناهان است. بعضی نیز آن را به معنی ازدواج با محارم و مانند آن - که در آیات قبل، از آن نهی شده است - تفسیر کرده اند که در واقع یکی از مصادیق مفهوم بالاست

لازم به یادآوری است که پیروی از شهوات در این آیه، ممکن است دارای همان مفهوم عام باشد و نیز ممکن است اشاره به «شهوت جنسی» باشد؛ زیرا این آیه بعد از آیاتی قرار گرفته که حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و کنیزان (آلوده به اعمال منافی عفت) را بیان کرده است. به هر حال این آیه، گواه روشنی است به این که راه «شهوت پرستی» از راه «خداپرستی» جدا بوده و این دو در مقابل هم قرار دارند

آیات سوم، چهارم، پنجم و ششم، از آیات مورد بحث، ناظر به داستان قوم لوط و «شهوت پرستی» آنهاست؛ شهوتی آمیخته با انحرافات جنسی که در تمام تاریخ آمده است. هر بخش از این آیات، نکته خاصی را تعقیب می کند که ما به طور اجمال به آنها اشاره می کنیم:

سومین آیه، گفتار حضرت لوط (علیه السلام) را بیان می کند که قوم خود را مورد سرزنش شدید قرار داد: «لوط را فرستادیم، در آن هنگام که به قوم خود گفت: شما کار بسیار شیعی انجام می دهید که هیچ کس از جهانیان، قبل از شما آن را انجام نداده است؛ و لوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین».

۴]

«فاحشه» واژه‌ایست که به هر کار بسیار زشت اطلاق می‌شود، هر چند در تعبیرات متعارف بیشتر به «فحشاء جنسی» اطلاق می‌گردد. تعبیر آیه فوق، نشان می‌دهد که در جامعه بشری «هم جنس گرایی» از قوم لوط (علیه السلام) شروع شد و تا آن زمان سابقه نداشت

در ادامه آمده است: «آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه تداوم نسل انسان را قطع می‌کنید و در مجلس خود، اعمال زشت (دیگر نیز) انجام می‌دهید؟!؛ ائنکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر...» [۵]

در این تعبیر یکی از علت‌های مهم تحریم «هم جنس گرایی» «را قطع نسل بشر می‌داند؛ زیرا هنگامی که این عمل زشت اخلاقی به شکل فراگیر درآید، خطر انقطاع نسل بشر، جامعه بشری را تهدید می‌کند

بعضی از مفسران، جمله «و تقطعون السبیل» آیه فوق را، اشاره به راهزنی و دزدی قوم لوط دانسته‌اند و بعضی اشاره به مزاحمت‌های جنسی می‌دانند که به عمد برای راهگزاران به وجود می‌آوردند!

«نادی» از ماده «ندا» به معنی مجلس عمومی یا مجلس تفریح است؛ زیرا در آن جا افراد یکدیگر را «ندا» می‌کنند.

گرچه قرآن کریم، در این جا شرح نداده که آنها در جلسات تفریحی خود، چه منکرات دیگری را انجام می‌دادند، ولی پیداست که اعمالی متناسب با همان عمل شنیعشان بوده است. در روایات آمده است، آنها در حضور جمع بدن‌های خود را برهنه می‌کردند، فحش‌های رکیک می‌دادند و کلمات زشت و بسیار زننده رد و بدل می‌نمودند و حرکات ناشایست دیگری داشتند که قلم از ذکر آنها شرم دارد

آنها چنان، غرق در شهوت بودند که خدا و همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را به باد مسخره می‌گرفتند؛ به همین دلیل، هنگامی که پیامبرشان حضرت لوط (علیه السلام) از روی تعجب و انکار سؤالی از عمل شنیعشان نمود، «پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور!؛...فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائنا بعذاب الله ان كنت من الصادقین. [۶]

و به این ترتیب عذاب الهی را نیز به سخره گرفتند.

در چهارمین بخش از این آیات به گوشه دیگری از داستان قوم لوط اشاره می‌کند: «وآن زمانی است که فرشتگان الهی (که مأمور عذاب قوم لوط بودند در چهره جوانان زیبایی) به سراغ حضرت لوط علیه السلام آمدند و او (که آنها را نمی‌شناخت) از مشاهده آنان سخت ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و (پیش خود گفت): امروز روز سختی است، زیرا ممکن است، این قوم زشت سیرت، حرمت میهمان‌های مرا نشناسند و قصد تجاوز به آنان را داشته باشند! و لمآجاءت رسلنا لوطا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا یوم عصیب». [۷]

(و در این هنگام، اشرار قوم با خبر شدند «و به سرعت به سراغ او آمدند (و قصد سویی نسبت به میهمان او داشتند) و پیش از آن نیز اعمال بدی انجام می‌دادند (و این کار، یعنی، تجاوز به میهمانان از آنها بعید نبود)، و جاءه قومه یهرعون الیه و من قبل کانوا یعملون السیئات...» [۸]

ولی آن قوم کثیف و زشت سیرت، نه تنها در برابر این همه بزرگواری حضرت لوط علیه السلام حیاء نکردند، بلکه بی‌شرمانه پاسخ گفتند: «تو خود می‌دانی، ما را به دختران توحقی نیست (و به جنس زن علاقه‌ای نداریم!) تو به خوبی می‌دانی که ما چه چیز می‌خواهیم! قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و انک لتعلم و ما نرید» [۹]

همان گونه که در ادامه این آیات آمده است حضرت لوط علیه السلام متوجه شد که آنها فرستادگان پروردگارانند، هیچ کس نمی‌تواند کمترین آسیبی به آنها برساند. فرشتگان به حضرت لوط علیه السلام خبر دادند که فردا صبح عذاب هولناکی به سراغ این قوم می‌آید و شهرهای آنها به کلی زیر و رو می‌شود و بارانی از سنگ‌های آسمانی بر آنها فرومی‌ریزد، به حضرت لوط علیه السلام دستور دادند که شبانه به اتفاق خانواده‌اش به استثنای همسرش که از تقوای بی‌بهره بود- آن شهرها را ترک کنند که صبحگاهان عذاب الهی فرامی‌رسد .

در پنجمین بخش از آیات، ضمن اشاره به مجازات شدید این قوم ننگین زشت سیرت می‌فرماید: «قوم لوط، اندازها و هشدارهای مکرر (پیامبرشان) را تکذیب کردند. ما بر آنها تندبادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد، فرستادیم (و همه را زیر آن مدفون ساختیم)، جز خاندان لوط که آنها را سحرگهان نجات دادیم، (به

استثنای همسرش که مشمول مجازات قوم گنه کار شد)، کذبت قوم لوط بالنذر\* انا ارسلنا عليهم حاصبا الا آل لوط نجیناهم بسحر». [۱۰]

البته این بخشی از مجازات دردناک آنها بود، زیرا در قرآن آمده است که: «نخست زلزله‌ای - به امر ما - آمد و سرزمین آنها را زیر و رو کرد، آن چنان که قسمت‌های بالا در پایین و قسمت‌های پایین در بالا قرار گرفت، فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها. .. [۱۱]

«و بارانی از سنگ بر آنها فرو فرستادیم، ... و امطرنا عاليها حجاره من سجیل منضود». [۱۲]

این باران سنگ، ممکن است بخشی از سنگ‌های سرگردان آسمانی بوده که به فرمان پروردگار الهی بر فراز آسمان شهر آنها ظاهر گشته و بر ویرانه‌ها و اجساد بی‌جان آنان باریده است.

احتمال دیگر این است که «حاصب» به معنای «طوفان شن» باشد. این طوفان گاهی تپه‌هایی را از یک گوشه بیابان برداشته و به آسمان می‌برد، سپس در نقطه‌ای دیگر، مانند بارانی فرو می‌ریزند، به طوری که گاهی قافله‌ها، زیر انبوهی از شن و ماسه مدفون می‌گشت!

حال این نکته قابل تامل است که هر چند، گاهی طوفان‌های شن یا باران‌های سنگ در جهان طبیعت روی می‌دهد، ولی خداوند متعال فرمان داده بود که این حوادث در آن ساعت مخصوص و معین - که فرشتگان حضرت لوط علیه السلام را خبر داده بودند - واقع گردد.

احتمال دیگری نیز وجود دارد که ممکن است، نخست زلزله‌ای سهمگین، شهرهای آنها را زیر و رو کرده و سپس بارانی از سنگ‌های آسمانی بر سرشان فرو ریخته و آنگاه طوفانی از شن، آثار آنها را، محو و نابود کرده باشد که این عذاب‌های سه گانه، بیانگر شدت خشم الهی، نسبت به این قوم رو سیاه است.

در ششمین و آخرین بخش از آیات، ضمن اشاره فشرده و مختصر به تمام ماجرای قوم لوط - از آغاز تا پایان - می‌فرماید: «به خاطر آورید «لوط» را، هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل شیعی انجام می‌دهید که هیچ کس از جهانیان پیش از شما آن را انجام نداده بود؟!، و لوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین». [۱۳]

آری! شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان، شما جمعیت تجاوزکاری هستید، زیرا قوانین و سنت‌های الهی را رها کرده و راه انحراف را پیش گرفته‌اید، راهی که سبب نابودی نسل و شیوع انواع بیماری‌های و مفاسد دیگر اجتماعی می‌شود.

گر چه بیماری وحشتناک «ایدز» یکی از هولناکترین بیماری‌های عصر ما شناخته شده، ولی بعید نیست که این بیماری در آن زمان نیز وجود داشته و گروهی از قوم لوط به آن گرفتار شده بودند. به همین علت خداوند حکیم و رحیم، اجساد آنها را زیر خروارها سنگ و شن دفن کرد تا این امر، هم درس عبرتی برای دیگران بوده و هم مایه نعمتی که همان جلوگیری از انتشار و سرایت این بیماری به دیگران بوده است

به هر حال، آن قوم آلوده، به قدری بی‌شرم بودند که نه تنها به سخن حضرت لوط علیه السلام گوش ندادند، بلکه خواستار اخراج او و خاندانش - به جرم پاکی از آلودگی‌های شایع در میانشان - از آبادی‌ها شدند. قرآن کریم در ادامه این آیات به آن اشاره دارد: وما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قريتهم انهم اناث ي تطهرون». [۱۴]

«ما لوط و خاندانش را - به جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود، نجات بخشیدیم، سپس بارانی (از سنگ) بر آنها فرو فرستادیم (و همه را نابود کردیم و مدفون ساختیم). اکنون بنگر، سرانجام کار مجرمان چگونه بود، فانجیناه و اهله الا امراته كانت من الغابرين - وامطرننا عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبه المجرمين». [۱۵]

آری! آنها چنان آلوده بودند که بی‌گناهی و پاکدامنی را گناه می‌دانستند! و پاکان رابه جرم پاکی محکوم به تبعید و راندن از خانه و زندگیشان می‌کردند. هر چند قبل از انجام این کار، به غضب الهی گرفتار و نابود شدند

بخش مهمی از این آیات، ضمن بیان عواقب هوسبازی و هواپرستی و شهوترانی - به مفهوم عام و خاصش - این عمل ناشایسته و پست اخلاقی را که سرچشمه گناهان و اثرات مخرب اجتماعی بی‌شماری است، سخت نکوهش می‌نماید.

## شهوۛ پرستی در روایات اسلامی [۱۶]

این مساله در منابع روایی اسلام، مورد توجه فراوان قرار گرفته است که بیشتر آنها بیانگر هشدار، درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث تکان دهنده، هر خواننده‌ای را تحت تاثیر عمیق قرار داده و روشن می‌سازد که آلودگی به «شهوۛ» - خواه به مفهوم عام و خواه به مفهوم خاص آن - از موانع اصلی سعادت و کمال انسان‌ها و از اسباب مهم گسترش گناه و جنایت در جامعه بشری است که در ذیل، به بعضی از آن احادیث اشاره می‌شود:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما تحت ظل السماء من اله یعید من دون الله اعظم عند الله من هوی متبع، در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه خدا، بدتر از هوا و هوسی باشد که انسان را به دنبال خود می‌کشاند». [۱۷]

به این ترتیب، روشن می‌شود که «شهوۛ» و هوای نفس از خطرناکترین عوامل انحراف انسان به سوی زشتی‌هاست

۲- امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: «الشهوۛات سموم قاتلات، شهوۛها، زهرهای کشنده است». [۱۸]

۳- در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار علیه السلام آمده است: «الشهوۛات مصائد الشیطان، شهوۛات دام‌های شیطان است». [۱۹]

(که انسان‌ها را به وسیله آن در هر سن و سال و در هر زمان و مکان صید می‌کند).

۴- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «امنع نفسک من الشهوۛات تسلّم من الآفات، اگر می‌خواهید از آفات در امان باشید، خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوۛات بازدارید». [۲۰]

۵- در حدیث دیگری نیز از همان پیشوای پرهیزکاران جهان آمده است: «ترک الشهوۛات افضل عباده و اجمل عاده، ترک شهوۛها، برترین عبادت و زیباترین عادت است». [۲۱]

۶- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من ملک نفسه اذا غضب و اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهی، حرم الله جسده علی النار، کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوۛ، ملک نفس خویش باشد، خداوند جسد او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند». [۲۲]

۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «ضادوا الشهوۛه مضاده الضد ضده و حاربوها محاربه العدو العدو، با خواهش‌های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن». [۲۳]

این سخن با صراحت، این حقیقت را بازگو می‌کند که «شهوة پرستی» درست مقابل «سعادت» و خوشبختی انسان قرار گرفته است

پیامدهای شهوت پرستی در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره پیامدهای شهوت پرستی و پیروی از هوای نفس، تعبیرات دقیق، حساب شده و تکان دهنده‌ای در احادیث اسلامی دیده می‌شود که در این بحث تنها به کلام پیشوای متقیان حضرت علی علیه السلام اشاره می‌شود

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اهجروا الشهوات فانها تقودكم الى ركوب الذنوب و التهجم على السيئات، از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می‌کشاند». [۲۴]

۲- این مساله گاهی به قدری شدید می‌شود که به کلی دین انسان را بر باد می‌دهد، چنان که در حدیث دیگری می‌فرماید: «طاعة الشهوة تفسد الدين، فرمانبرداری از شهوات نفسانی، دین انسان را فاسد می‌کند». [۲۵]

۳- آن حضرت در تعبیر دیگری می‌فرماید: «طاعة الهوى تفسد العقل، هوا پرستی عقل انسان را فاسد می‌کند». [۲۶]

۴- در جای دیگر می‌فرماید: «الجاهل عبد شهوته، انسان نادان بنده شهوت خویش است». [۲۷] یعنی، انسان جاهل مثل برده خوار و ذلیلی است که در برابر شهوت خویش، هیچ اختیاری از خود ندارد

۵- در تعبیر دیگر می‌فرماید: «عبد الشهوة اسير لا ينفك اسره، برده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید». [۲۸]

۶- آن حضرت علیه السلام در این که سرانجام «شهوة پرستی»، رسوایی است، می‌فرماید: «حلاوه الشهوة ينعصها عار الفضيحة، شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می‌برد». [۲۹]

۷- در تعبیر دیگری، شهوت پرستی را کلید انواع شرها می‌دانند: «سبب الشر غلبه الشهوة [۳۰] سبب شر، غلبه شهوت است»

با توجه به این که «الشر» با الف و لام جنس و به صورت مطلق ذکر شده است، معنای عموم را می‌رساند که این امر بیانگر آن است که «شهوة پرستی»، سرچشمه تمام شرها و بدبختی‌هاست

۸- در جای دیگر ضمن اشاره به این نکته که غلبه هوا و هوس، سبب بسته شدن راه‌های سعادت بشری شده و او

را در گمراهی نگاه می‌دارد، می‌فرمایند: «کیف یستطیع الهدی من یغلبها الهوی، چگونه می‌تواند انسان به هدایت برسد، در حالی که هوای نفس بر او غالب گردیده است» [۳۱]

۹- آن حضرت در سخن دیگری، غلبه شهوات را باعث تضعیف شخصیت انسان می‌دانند: «من زادت شهوته قلت مروته، کسی که شهوات او فزونی یابد، شخصیت انسانی او کم می‌شود». [۳۲]

۱۰- در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می‌کند که راه بهشت، راه «شهوت پرستان» نیست: «من اشتاق الی الجنه سلا عن الشهوات، کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند» [۳۳]

۱۱- در جای دیگر این نکته را گوشزد می‌کند که حکمت و آگاهی با شهوت پرستی سازگار نیست: «لا تسکن الحکمه قلبا مع شهوه، حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است، ساکن نمی‌شود». [۳۴]

## معنی شهوت

از بحث‌های قبل روشن شد که «شهوت» دارای مفهوم عام و وسیعی بوده و شامل هر گونه دوست داشتن، تمایل و رغبت به درک لذت و خواهش نفس می‌شود. بدون این که اختصاص به شهوت جنسی داشته باشد، گرچه گاهی در خصوص شهوت جنسی نیز به کار رفته است .

در قرآن مجید نیز این مفهوم در یازده مورد به صورت عام استفاده شده است و تنهادر دو مورد در معنی خاص آن به کار رفته است. در روایات اسلامی و کلمات علمای اخلاق نیز اغلب در مفهوم عام به کار رفته که در مقابل آن واژه «عفت» به معنی خویشتن‌داری و چشم پوشی از لذایذ گناه آلوده مادی به کار می‌رود .

این مفهوم بیشتر در موارد منفی به کار می‌رود، اما گاهی در موارد مثبت نیز به کار رفته است، مانند، آن جایی که خداوند خطاب به بهشتیان می‌فرماید: «... و لکم فیها ماتشهی انفسکم...، هر چه را دوست‌بدارید و به آن تمایل داشته باشید، در بهشت برای شما فراهم است [۳۵] . «یا آن جایی که می‌فرمایند: «... فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین...، در بهشت آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم از آن لذت می‌برد، موجود است». [۳۶]



به هر حال این واژه، بیشتر دارای بار منفی بوده و در مواردی که هوا و هوس افراطی بر انسان چیره گشته و تمایلات ویرانگر و گناه آلود بر تمام وجودش مستولی گردد به کار می‌رود .

این واژه و مشتقات آن، در قرآن مجید، سیزده مورد به کار رفته که شش مورد آن دارای مفهوم مثبت و هفت مورد آن دارای مفهوم منفی است .

به هر حال «شهوة» به هر معنی که باشد، هرگاه مفهوم خاص آن که همان خواست‌های افراطی و شهوانی است مورد نظر باشد، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت که به وضوح قابل مشاهده است که ضمن توجه به روایات وارده، باید اذعان داشت که سر تا سر تاریخ نیز مملو از پیامدهای نامطلوب شهوت پرستی‌هاست .

## آثار زیان بار شهوت

### ۱- آلودگی به گناه

شهوت پرستی انسان را به سوی انواع گناهان می‌کشاند و در واقع یکی از سرچشمه‌های اصلی گناه و معصیت و نافرمانی خدا محسوب می‌گردد، زیرا چشم و گوش انسان را بسته و به مصداق حدیث نبوی «حبك للشیء یعمی و یصم» [۳۷] آدمی را کور و کر کرده و قدرت درک واقعیت‌ها را از او می‌گیرد و در چنین حال، زشتی‌ها در نظر او زیبا و زیبایی‌ها در نظر او زشت و بی‌رنگ می‌شود .

به همین دلیل، در روایات سابق (روایت هشتم) خواندیم که امیر مؤمنان علیه السلام درباره پیروی از شهوات هشدار داده و می‌فرماید: «از شهوات سرکش پرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان می‌کشاند» .

در حدیث دهم، از همان حضرت نیز به این نکته اشاره شد که: «هواپرستی عقل انسان را فاسد می‌کند» و در حدیث نهم نیز فرمودند (اگر شهوت پرستی تشدید شود): «دین انسان را بر باد می‌دهد و حتی انسان را به بت پرستی می‌کشاند». در این رابطه مفسران و ارباب حدیث، در ذیل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره حشر، داستانی درباره عابدی از قوم بنی اسرائیل به نام «برصیصا» آورده‌اند که شاهد زنده‌ای برای این مدعاست، داستان گرچه معروف است، اما تکرارش خالی از صواب نیست :

...مرد عابد بنی اسرائیلی به خاطر سال‌ها عبادتش، به آن حد از مقام قرب الهی رسیده بود که بیماران با دعای او سلامت خود را باز می‌یافتند و به اصطلاح مستجاب‌الدعوه شده بود .

روزی، زن جوان زیبایی را که بیمار بود، نزد او آوردند و به امید شفاء در عبادتگاه او گذاردند و رفتند .

شیطان به وسوسه آن عابد مشغول شد و آن قدر صحنه گناه را در نظرش زینت داد که عنان اختیار را از کف او ربود، آن چنان که گویا عابد کر و کور گشته و همه چیز را به دست فراموشی سپرده است. دیری نپایید که آن عابد دامان «عفت» خویش را به گناه بیالود. پس ارتکاب گناه به خاطر این که احتمال داشت آن زن باردار شود و موجب رسوایی او گردد، باز شیطان و هوای نفس به او پیشنهاد کرد که زن را به قتل رسانده و در گوشه‌ای از آن بیابان وسیع دفن کند .

هنگامی که برادران دختر، به سراغ خواهر بیمار خویش آمدند و عابد اظهار بی‌اطلاعی کرد، آنان نسبت به عابد مشکوک گشته و به جستجو برخاستند و پس از مدتی، سرانجام جسد خونین خواهر خویش را در گوشه بیابان از زیر خاک بیرون کشیدند .

این خبر در شهر پیچید و به گوش امیر رسید. او با گروه زیادی از مردم به سوی عبادتگاه آن عابد حرکت کرد تا علت این قتل را بیابد. هنگامی که جنایات آن عابد روشن شد، او را از عبادتگاهش فرو کشیدند تا بر دار بیاویزند .

در ادامه این حکایت آمده است: هنگامی که عابد در کنار چوبه دار قرار گرفت، شیطان در نظرش مجسم شد و گفت: من بودم که با وسوسه‌های خویش تو را به این روز انداختم، حال اگر آنچه را که من می‌گویم، اطاعت کنی، تو را نجات خواهم داد .

عابد گفت: چه کنم؟

شیطان گفت: تنها یک سجده برای من کافی است .

عابد گفت: می‌بینی که طناب دار را بر گردن من افکنده‌اند و من در این حال

توانایی سجده بر تو را ندارم .

شیطان گفت: اشاره‌ای هم کفایت می‌کند .

عابد بیچاره نادان، پس از این که با اشاره، سجده‌ای بر شیطان کرد، طناب دار گلویش را فشرده و او در دم جان سپرد .

آری ! شهوت پرستی باعث شد تا آن عابد، ابتدا به زنا آلوده شود و سپس قتل نفس انجام دهد و بعد دروغ بگوید و سرانجام مشرک گردد و بدین ترتیب محصول سال‌ها عبادت او بر باد رفته و نزد خاص و عام رسوا شود .

همه رنج جهان از شهوت آید که آدم زان برون از جنت آید [۳۸]

## ۲- فساد عقل

شهوت پرستی، پرده‌های ضخیمی بر عقل و فکر انسان می‌اندازد، حق را در نظر او باطل و باطل را در نظر او، حق جلوه می‌دهد. در روایات گذشته نیز بیان داشتیم که :

«طاعه الهوی تفسد العقل، هوا پرستی عقل را فاسد می‌کند». [۳۹] به همین دلیل بسیاری از شهوت پرستان به هنگام غلبه شهوت، کارهایی انجام می‌دهند که بعد از فرو نشستن آتش شهوت، از آن عمل خویش سخت پشیمان شده و گاه تعجب می‌کنند که چگونه دست به انجام آن کار احمقانه و غلط زده‌اند .

در حدیث دیگری امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اذا ابصرت العین الشهوه عمی القلب عن العاقبه، هنگامی که چشم، مظاهر شهوت را ببیند، عقل از مشاهده عاقبت کار باز می‌ماند» [۴۰]

## ۳- تضعیف شخصیت اجتماعی انسان

شهوت پرستی، شخصیت و احترام اجتماعی انسان را در هم می‌شکند و او را به ذلت می‌کشاند، زیرا برای کامیابی‌های شهوانی باید تمام قید و بندهای اجتماعی را شکست و تن به هر پستی داد. بدیهی است که انسان با شخصیت، در کشاکش شهوات، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد که یا باید به خواست‌های شهوانی دل خویش برسد، یا شخصیت و احترام اجتماعی خود را حفظ نماید که اغلب جمع میان این دو غیر ممکن است !

در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «زیاده الشهوه تزی بالمره، افزون شدن شهوت، شخصیت انسان را لکه‌دار می‌کند». [۴۱]

اسارت و بندگی در برابر خواست‌های نفسانی، یکی دیگر از پیامدهای شهوت پرستی است، زیرا انسان شهوت پرست چنان اسیر شهوات خود می‌شود که بازگشت و دوری جستن از آنها، برایش مشکل و گاهی نیز غیر ممکن می‌گردد .

نمونه بارز آن، زندگی خفت بار معتادان به مواد مخدر است که در ظاهر آزادند، ولی از هر اسیری، اسیرترند. زنجیر اعتیاد ناشی از شهوت پرستی نیز آن چنان دست و پای انسان را می‌بندد که گویا هر گونه حرکت و تلاش برای دوری جستن از خواست‌های رذیله، بسیار مشکل می‌گردد، مخصوصاً اگر هوا پرستی، به سر حد عشق‌های جنون‌آمیز جنسی برسد که در این حال اسارت انسان به اوج خود می‌رسد

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «عبد الشهوه اسیر لا ینفک اسره، بنده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید» [۴۲] .

آن حضرت در تعبیر دیگری نیز می‌فرماید: «و کم من عقل اسیر تحت هوی امیر، چه بسیار عقلها و خردها که شهوات بر آن حکومت می‌کند» [۴۳]

باز در حدیث دیگری می‌فرمایند: «الشهوات تسترق الجهول، شهوت‌ها، افراد نادان را برده خود می‌سازند» [۴۴]

#### ۵- رسوایی و بی‌آبرویی

رسوایی، یکی دیگر از پیامدهای شهوت پرستی است. تاریخ بشر مملو از شرح زندگی کسانی است که در جامعه دارای مقام و موقعیت ممتاز بودند، ولی هنگامی که اسیر «شهوت» و هوای نفس شدند، کارشان به رسوایی کشید .

در اشعار شعرا نیز رابطه «عشق» و «رسوایی» یک رابطه معروف و مشهور است. [۴۵]

رسوای عالمی شدم از فرط عاشقی

در داستان یوسف و همسر عزیز مصر نشان می‌دهد که چگونه همسر عزیز مصر با وجود احترام فراوان - به علت هواپرستی - رسوای خاص و عام شد .

یوسف به صبر خویش پیمبر شد رسوا شتاب کرد زلیخا را [۴۶]

و به گفته شاعر عرب: ان الهوی هو الهوان قلب اسمه فاذا هويت فقد لقيت هوانا [۴۷]

هوا پرستی همان پستی است که نام آن تغییر یافته، به همین دلیل هر هوا پرستی پست می شود.

## کنترل شهوات

بارها در مباحث مشابه گفته ایم که برای درمان مفاسد اخلاقی، باید نخست علل وریشه ها و اسباب آن را بیابیم. بزرگان علم اخلاق نیز، در مباحث این علم، به بحث از انگیزه ها، اهمیت فوق العاده ای داده اند، به همین دلیل لازم است بحث دقیقی در مورد عوامل شهوت پرستی داشته باشیم

امیال و خواسته های درونی که از آن به شهوات تعبیر می شود، - مخصوصا شهوت جنسی - یک امر طبیعی و خدادادی بوده و از عوامل حرکت انسان، برای پیشرفت زندگی بشمار می آید. به همین دلیل، گر چه نمی توان آنها را از میان برد، اما هرگز نباید برای سرکوبی آنها نیز تلاش کرد، زیرا اگر این شهوات در حد اعتدال باشند، نه تنها مشکلی ایجاد نمی کنند، بلکه یکی از اسرار تکامل و تقدم انسان نیز محسوب می گردند

آنچه که به صورت مفسده اخلاقی ظاهر می شود، همان طغیان شهوات و خارج شدن آنها از کنترل نیروی عقل و خرد است

حال باید ملاحظه کرد که چه عواملی سبب خارج شدن امیال و خواسته های درونی از تحت کنترل عقل گشته و به صورت نیروی ویرانگر در می آید.

## عوامل شهوت پرستی

### ۱- فساد عقل

شهوت پرستی، پرده‌های ضخیمی بر عقل و فکر انسان می‌اندازد، حق را در نظر او باطل و باطل را در نظر او، حق جلوه می‌دهد. در روایات گذشته نیز بیان داشتیم که: «طاعه الهوی تفسد العقل، هوا پرستی عقل را فاسد می‌کند.» [۴۸] به همین دلیل بسیاری از شهوت پرستان به هنگام غلبه شهوت، کارهایی انجام می‌دهند که بعد از فرو نشستن آتش شهوت، از آن عمل خویش سخت پشیمان شده و گاه تعجب می‌کنند که چگونه دست به انجام آن کار احمقانه و غلط زده‌اند

در حدیث دیگری امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اذا ابصرت العین الشهوه عمی القلب عن العاقبه، هنگامی که چشم، مظاهر شهوت را ببیند، عقل از مشاهده عاقبت کار باز می‌ماند» [۴۹]

### ۲- ضعف ایمان

ضعف ایمان، علت اصلی نادیده گرفتن فرمان‌های الهی است. اگر انسان، خدا را حاضر و ناظر بدانند و دادگاه بزرگ الهی را در قیامت با چشمان قلب خویش مجسم نمایند، هرگز حدود الهی را نمی‌شکنند و از مرزها تجاوز نکرده و آلوده شهوات و مفسد اخلاقی نمی‌گردد

این همان برهان الهی است که در بدترین شرایط زندگی حضرت یوسف علیه السلام به سراغش آمد و او را از آلودگی به فحشاء - که تمام زمینه‌های ارتکاب، موجود و موانعش مفقود بود - حفظ کرد

اگر ایمان ضعیف گشته و توجه به مبدا و معاد کم گردد، زمینه طغیان شهوات کاملاً فراهم می‌شود که انسان در چنین شرایطی مثل حیوان درنده‌ای که از قفس خارج شده باشد و هیچ گونه مانعی در برابر خود نبیند، به همه جا حمله می‌کند و اگر کسی در برابرش ظاهر شود، می‌درد

در این رابطه در حدیث علوی آمده است: «من اشتاق الی الجنه سلا عن الشهوات، کسی که مشتاق به بهشت (و معتقد به آن) باشد، شهوات سرکش را به فراموشی می‌سپارد.» [۵۰]

گاهی نیز انسان برای بهره‌گیری از شهوات بدون قید و شرط، سد ایمان را در هم می‌شکند تا در شهوت پرستی آزاد باشد، قرآن مجید می‌فرماید: «بل یرید الانسان لیفجر امامه - یسئل ایان یوم القیامه [۵۱]... بلکه انسان می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس ازدادگاه قیامت) در تمام عمر، گناه کند، (از این رو) می‌پرسد: قیامت کی خواهد بود؟ (سؤالی که نشانه انکار یا تردید است).»

### ۳- بی‌اعتنایی به شخصیت اجتماعی و انسانی

بی‌اعتنایی به آبرو و حیثیت اجتماعی و ضعف شخصیت انسانی، اغلب سبب آلودگی به انواع شهوات می‌شود، در حالی که آبرو و شخصیت انسانی و توجه به حیثیت اجتماعی، انسان را - هر چند که ایمان به خدا نیز نداشته باشد - در برابر طغیان شهوات، کنترل می‌کند

به همین دلیل، در جوامع غیر دینی، افراد آبرومند و با شخصیت، کمتر تسلیم طغیان شهوات گشته و به «شکم پرستی» و شهوات بی‌قید و شرط جنسی روی می‌آورند، زیرا آبرو و حیثیت اجتماعی و شخصیت انسانی آنها، سدی است در برابر طغیان شهوات

بنابراین همیشه تنها افراد رذل و بی‌شخصیت، در چنگال این امور گرفتار می‌گردند

### ۴- غفلت و بی‌خبری

غفلت و بی‌خبری از پیامدهای شهوت پرستی، عامل دیگر آلودگی به این رذیله اخلاقی است، زیرا بیشتر رذایل اخلاقی، آثار سوء جسمانی و بهداشتی دارد، مثلاً، شکم پرستی، انسان را به انواع بیماری‌ها مبتلا می‌سازد و یا افراط در شهوت جنسی، نیرو و توان انسان را کاهش داده، اعصاب را در هم می‌کوبد و عمر را کوتاه نموده و در نهایت سلامت جسمی و روحی انسان را مختل می‌سازد .

به همین دلیل، در جوامع غیر مذهبی، افراد زیادی مقید به رعایت اعتدال در خوردن و مسایل جنسی هستند، زیرا توصیه پزشکان را در این زمینه پذیرفته و نتایج آن را درک کرده‌اند

مشکلات اجتماعی ناشی از شهوت پرستی نیز قابل انکار نیست. به یقین «شکم پرستی» گروهی از مردم سبب گرسنگی گروه‌های دیگری خواهد شد

بی‌بند و باری در مسائل جنسی نیز سبب ناامنی زن و فرزند این افراد می‌شود و چه بسا که آلودگی به عمق خانه آنها نیز نفوذ کند

بنابراین هر کس که به این امور توجه کند، به یقین در کنترل شهوات خویش می‌کوشد

### ۵- معاشرت‌ها و محیط‌های نامناسب [۵۲]

معاشرت‌های نامناسب، دوستان ناباب، محیط‌های آلوده و فساد و سائل ارتباط جمعی یکی از عوامل دیگر آلودگی به شهوت پرستی است. اغلب انسان‌های ناباب، دوستان خود را به گناه سوق داده و آنها را غرق گناه

می‌سازند و راه‌های مختلف ارتکاب گناه را به آنها می‌آموزند، به گونه‌ای که می‌توان گفت: رایج‌ترین اسباب آلودگی به شهوت پرستی، معاشرت با انسان‌های گناهکار و آلوده است

بد آموزی ناشی از وسائل ارتباط جمعی و محیط‌های آلوده نیز از عوامل مهم این آلودگی است. در این زمینه در بحث‌های مربوط به امور «زمینه ساز مفسد اخلاقی» در جلد اول به قدر کافی صحبت کردیم و به طور مشروح بیان داشتیم که معاشرتهای آلوده، نه تنها انسان را آلوده گناه و مفسد اخلاقی می‌کند، بلکه تا سر حد کفر نیز پیش می‌برد

قرآن مجید نیز درباره بعضی از دوزخیان می‌گوید: «و یوم یعض الظالم علی یدیہ یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سییلا - یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا- لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جئنی و کان الشیطان للانسان خذولا، [۵۳] و به خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش! با رسول خدا صلی الله علیه و آله راهی بر گزیده بودم. ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از ذکر خدا گمراه ساخت، بعد از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوار کننده انسان است. (او را گمراه می‌سازد، سپس در بیراهه رهایش می‌کند)»

محیط‌های آلوده، پدران و مادران فاسد و منحرف، از دیگر عوامل مؤثر آلودگی به شهوت پرستی است که تاثیر مخرب آنها قابل انکار نیست. به همین دلیل، هنگامی که بیشتر افراد پاک وارد چنین محیط‌هایی شوند، دل و ایمان خود را از دست داده و آلوده شهوات و مفسد اخلاقی می‌شوند

چون در جلد اول، در بحث «کلیات مسایل اخلاقی» این امور را به عنوان زمینه‌سازهای اخلاقی، به طور مشروح مورد بحث قرار داده‌ایم، در این جا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

## ۶- تضعیف شخصیت اجتماعی انسان

شهوت پرستی، شخصیت و احترام اجتماعی انسان را در هم می‌شکند و او را به ذلت می‌کشاند، زیرا برای کامیابی‌های شهوانی باید تمام قید و بندهای اجتماعی را شکست و تن به هر پستی داد. بدیهی است که انسان با شخصیت، در کشاکش شهوات، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد که یا باید به خواست‌های شهوانی دل خویش برسد، یا شخصیت و احترام اجتماعی خود را حفظ نماید که اغلب جمع میان این دو غیر ممکن است!



در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «زیاده الشهوه تزی بالمره، افزون شدن شهوت، شخصیت انسان را لکه دار می کند.» [۵۴]

## راه های درمان

### ۱- راه علمی

منظور از راه علمی، این است که انسان در آثار و پیامدهای شهوت پرستی بیندیشد و ببیند که چگونه تسلیم شدن در برابر شهوات، انسان را به ذلت، بدبختی، اسارت، تضعیف شخصیت اجتماعی و دوری از خدا می کشاند که زندگی خفت بار افرادی که آلوده شهوت شده اند، بیانگر این واقعیت است

بنابراین تامل در امور مذکور و اندیشه پیرامون شرح حال «اولیاء الله» و پیروان راستین آنها که بر اثر مبارزه با شهوات به مقامات بالا در دنیا و نزد خدا رسیده اند، انسان را از شهوت پرستی باز خواهد داشت

علاوه بر این که تحکیم پایه های عقل و ایمان، انسان را قادر به کنترل شهوات می کند، در این رابطه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «من کمل عقله استهان بالشهوات، کسی که عقلش کامل شود، شهوت ها را کوچک و بی ارزش می شمرد.» [۵۵]

در جای دیگر نیز می فرمایند: «من غلب شهوته ظهر عقله، کسی که بر شهوات خود غالب شود، عقل و خرد او ظاهر می گردد.» [۵۶]

همچنین فرموده اند: «کلما قویت الحکمه ضعف الشهوه، هر قدر حکمت و دانش انسان تقویت شود، شهوات و تمایلات سرکش او ضعیف می گردد.» [۵۷]

آن حضرت در پیام پر معنای دیگری نیز می فرمایند: «اذکر مع کل لذه زوالها و مع کل نعمه انتقالها و مع کل بلیه کشفها، فان ذلک ابقی للنعمه، و انفی للشهوه، و اذهب للبطر، و اقرب الی الفرج و اجدر بکشف الغمه و درک المامل، هر گاه در لذت (حرامی) باشی، به یاد بیاور که روزی زایل می شود، و اگر در هر نعمتی هستی، به خاطر داشته باش که روزی سلب خواهد شد. در بلاها نیز انتظار بر طرف شدن آن را داشته باش، زیرا این یادآوریه، نعمت را پایدارتر می کند و شهوات را دور می سازد و مستی و غرور نعمت را زایل می کند و به فرج و گشایش امور نزدیکتر و در از میان رفتن اندوه و رسیدن به مقصود، نزدیکتر و شایسته است.» [۵۸]

به این ترتیب اندیشه در پیامدها، اثر عمیقی در بازدارندگی از آلودگی به شهوت‌ها دارد، تمام تلاش رهبران الهی نیز این بوده است تا عواقب شوم گرفتاری در چنگال شهوات را به انسان‌ها گوشزد نموده و آنها را از کام شهوات نجات دهند

این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بیانگر این معنی است: «خمس ان ادر کتموهن فتعودوا بالله منهن: لم تظهر الفاحشه فی قوم قط حتی یعلنوها، الا ظهر فیهم الطاعون و الاوجاع التی لم تکن فی اسلافهم الذین مضوا و لم ینقصوا المکیال و المیزان الا اخذوا بالسنین و شده المؤنه و جور السلطان، و لم یمنعوا الزکاه الا منعوا المطر من السماء، و لو لالبهائم لم یمطروا و لم ینقضوا عهد الله و عهد رسوله الا سلط الله علیهم عدوهم و اخذوا بعض ما فی ایدیهم، و لم یحکموا بغير ما انزل الله الا جعل الله عز و جل باسهم بینهم، پنج چیز است که اگر با آنها روبرو شدید، از آنها به خدا پناه ببرید، اعمال زشت و آشکار در هیچ قومی ظاهر نمی‌شود، مگر این که گرفتار طاعون و بیماری‌هایی می‌شوند که در میان پیشینیان آنها نبوده است و هیچ قومی کم فروشی نمی‌کنند مگر این که گرفتار قحطی و سختی زندگی و ظلم حاکمان می‌شوند و هیچ قومی منع زکات نکردند مگر این که، از باران رحمت الهی محروم شدند و اگر به خاطر حیوانات نبود، بارانی به آنها نازل نمی‌شد و هیچ جمعیتی، پیمان خدا و رسولش را نمی‌شکستند، مگر این که خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط کرد و قسمتی از آنچه را که آنها داشتند، از آنان گرفتند و هیچ گروهی به غیر احکام الهی حکم نکردند، مگر این که خداوند اختلاف در میان آنها افکند و با هم درگیر شدند». [۵۹]

بی‌شک، تأمل و تدبیر در این پیامدها، تأثیر مستمر و یا موقت در بازداشتن اعمال غیر اخلاقی دارد

## ۲- راه عملی

از نظر عملی راه‌های مختلفی برای درمان «شهوت پرستی» وجود دارد از جمله :

۱- یکی از بهترین راه‌های عملی برای نجات از گرداب شهوت، اشباع صحیح امیال و خواست‌های جنسی است، زیرا اگر خواست‌ها و امیالی که در درون انسان وجود دارند از راه‌های صحیح، اشباع گردند، دیگر زیانبار و مخرب نخواهند بود، به تعبیر دیگر، این خواست‌ها را نمی‌توان و نباید سرکوب کرد، بلکه باید از آنها در کانال‌های صحیح و سازنده استفاده کرد، در غیر این صورت ممکن است تبدیل به سیلاب ویرانگری شود که حرث و نسل انسان را با خود خواهد برد

به همین دلیل، اسلام نه تنها تفریحات سالم و بهره‌گیری معتدل از خواست‌های درونی را مجاز شمرده، بلکه نسبت به آن تشویق نیز نموده است. خطبه معروفی که از امام جواد علیه السلام در مورد عقد همسرش نقل شده است، شاهد گویای این مدعاست. آن حضرت در این خطبه می‌فرماید: «اما بعد فقد كان من فضل الله على الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام، یکی از نعمت‌های الهی بر بندگان این است که آنها را به وسیله حلال از حرام بی‌نیاز ساخته است.» [۶۰]

این حدیث معروف نیز بر همین نکته اشاره دارد: «للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة ينجح فيها ربه، و ساعه يرم معاشه، و ساعه يخلی بين نفسه و بين لذتها فيما يحل و يجمل، انسان با ایمان ساعات زندگی را به سه بخش تقسیم می‌کند، قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می‌کند و قسمت دیگر را در راه اصلاح معاش و بندگی به کار می‌گیرد و قسمت سوم را به بهره‌گیری از لذت‌های حلال و دلپسند اختصاص می‌دهد.» [۶۱]

### ۳- سایر راههای درمان

۱- یکی دیگر از راه‌های نجات از شهوت پرستی، برنامه‌ریزی دقیق برای برنامه‌های زندگی است، زیرا، هرگاه انسان، برای تمام اوقات خود برنامه داشته باشد (هر چند برنامه او در پاره‌ای از موارد جنبه تفریحی و ورزشی داشته باشد)، دیگر مجالی برای کشیده شدن به آلودگی‌های شهوانی باقی نمی‌ماند

۲- برچیدن عوامل آلودگی نیز یکی از راه‌های درمان و یا پیشگیری است، زیرا امکان آلودگی به شهوات در محیط‌های آلوده فراوان است، یعنی، اگر محیط، آلوده شهوت شود و اسباب آن در دسترس همه قرار گیرد و آزادی نسبی نیز وجود داشته باشد، نجات از آلودگی، مخصوصاً برای قشر جوان یا کسانی که در سطح پایینی از «معرفت» دینی قرار دارند، بسیار دشوار خواهد شد

۳- احیای شخصیت معنوی و انسانی افراد جامعه نیز، از راه‌های مهم درمان یا پیشگیری از آلودگی‌های شهوانی است، زیرا انسان، هنگامی که از ارزش وجود و شخصیت خود، آگاه شود و دریابد که او عصاره جهان آفرینش و گل سر سبد جهان خلقت و خلیفه خدا در روی زمین است، به این سادگی خود را به شهوات نمی‌فروشد

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته، کسی که به ارزش وجود خویش پی برد، شهوات در برابر او بی‌ارزش می‌شوند» [۶۲] و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده است: «من عرف شرف معناه صائه عن دنائه شهوته... کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد، او را از پستی شهوت مصون می‌دارد!...» [۶۳]

آخرین نکته‌ای که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که نه تنها در مساله مبارزه با شهوات، بلکه در تمام موارد مبارزه با مفساد اخلاقی، باید به مساله مبارزه عملی اهمیت داد، به این معنی که هر قدر انسان با خلق و خوی بد به مبارزه برخیزد و در جهت مخالف آن حرکت کند، آن خلق و خواها کم رنگ و ضعیف می‌شود و این مبارزه از صورت فعلی به صورت حالت و از صورت حالت به صورت عادت و از صورت عادت به صورت ملکه در می‌آید و خلق و خوی ثانوی در جهت مقابل شکل می‌گیرد، مثلاً، اگر انسان بخیل بذل و بخشش را تکرار کند، آتش بخل به تدریج در درون او فروکش کرده و خاموش می‌شود .

اگر شهوت پرستان نیز در برابر طغیان شهوات، مقاومت و ایستادگی نمایند، طغیان شهوت فرو نشسته و روح عفت جایگزین آن می‌شود

این نکته در سخن پرمعنایی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است: «قاوم الشهوه بالقمع لها تظفر، در برابر شهوت و امیال نفسانی، به قصد قلع و قمع مقاومت کن تا پیروز شوی. [۶۴]

## شکم پرستی و شهوت جنسی

بزرگان علم اخلاق همچون فیض کاشانی در «المحججه البیضاء» و محقق نراقی در «معراج السعاده» و مرحوم شبیر در کتاب «الاخلاق» شکم پرستی و شهوت جنسی را به صورت مستقل، مورد بحث قرار داده‌اند. در واقع از روایات اسلامی و اشاراتی که در آیات قرآن مجید است، پیروی نموده و برای این دو بخش اهمیت ویژه‌ای قایل شده‌اند

مرحوم فیض کاشانی در کتاب «المحججه البیضاء» می‌گوید: «بزرگترین عوامل هلاکت انسان، شهوت شکم است، همان بود که آدم و حوا را از بهشتی که دارالقرار بود به دنیا که دار نیاز و افتقار است فرستاد... در حقیقت شکم سرچشمه شهوات و منشا دردها و آفات است، زیرا حتی شهوت جنسی نیز پیرو آن است و به دنبال این دو، شهوت در جمع آوری مال و مقام است که وسیله‌ای برای سفره‌های رنگین تر و زنان بیشتر محسوب می‌شود و به دنبال آنها، تنازع در دسترسی به مال و مقام و کشمکش‌ها به وجود می‌آید و آفت ریا و خودنمایی و تفاخر و تکاثر و خود برتر بینی از آن متولد می‌گردد، سپس این امور عاملی برای حسد، کینه، عداوت و دشمنی می‌شود و دارنده آن را به ارتکاب انواع ظلم‌ها و منکرات و فحشاء می‌کشاند... حال که چنین است، لازم است به شرح آفات آن پرداخته شود و طرق مبارزه با آن روشن گردد. [۶۵]

از این خطرناکتر آن است که انسان‌های شکم پرست و شهوت پرست، دین و ایمان خود را در راه آن از دست داده‌اند. در ذیل آیه: و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول کافر به و لا تشتروا بآیاتی ثمنا قليلا و

ایای فاتقون [۶۶] . که خداوند در آن یهود را به خاطر فروختن آیات الهی به بهای ناچیز، مذمت می کند، آمده است: جمعی از علمای بزرگ یهود، به خاطر تشکیل مجالس میهمانی پر زرق و برقی از سوی یهودیان برای آنها، آیات الهی را تحریف کردند و عملاً آنها را به بهای ناچیزی فروختند (و پیامبری را که تورات وعده ظهورش را داده بود و آنها سالها در انتظارش بودند، انکار کردند) .

در روایات اسلامی نیز بحث گسترده‌ای درباره خطرهای این دو نوع از شهوت دیده می شود که در ادامه به برخی موارد اشاره می شود :

۱- رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «ثلاث اخافهن بعدی علی امتی الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج، سه چیز است که از آنها بر امتم بعد از خودم می ترسم، گمراهی بعد از آگاهی و آزمایشهای گمراه کننده و شهوت شکم و شهوت جنسی». [۶۷]

منظور از گمراهی بعد از آگاهی، این است که انسان بر اثر وسوسه های منحرفان و ایجاد شبهات گوناگون، راه راستی را که شناخته، رها کند و در راه انحراف در آید که این موضوع در هر زمان - مخصوصاً در زمان ما- وجود داشته و دارد .

منظور از «مضلات فتن» امتحاناتی است که خداوند برای بندگانش پیش می آورد که گاهی انسان ها به خاطر پیروی هوای نفس از عهده آن بر نمی آیند، و منظور از «شهوت بطن و فرج» شکم پرستی و افراط در شهوت جنسی است

مفهوم حدیث نشان می دهد، خطری که از ناحیه این سه امر، مردم را تهدید می کند، بسیار جدی است

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در جای دیگر می فرماید: «اکثر ما تلج به امتی النار الا جوفان البطن و الفرج، بیشترین چیزی که سبب دوزخی شدن امت من می شود، دو چیز میان تهی است، شکم و فرج». [۶۸]

۳- امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه می فرماید: «اذا شبع البطن طغی، هنگامی که شکم سیر شود، طغیان می کند». [۶۹]

۴- آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «ما من شیء ابغض الی الله عز و جل من بطن مملوء، هیچ چیزی نزد خداوند، منفورتر از شکم پر (و بیش از اندازه خوردن) نیست». [۷۰]

۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لا یفسد التقوی الا بغلبه الشهوه، تقوا و پرهیزکاری را چیزی جز غلبه شهوت از بین نمی برد». [۷۱]

۶- حدیث دیگری از همان حضرت علیه السلام نقل شده است: «لا تجتمع الحکمه والشهوه، دانش و حکمت با شهوت پرستی جمع نمی‌شود». [۷۲]

۷- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر فرموده‌اند: «ما رفع امرءا کهمته و لا وضعه کشهوته، هیچ چیز مانند همت، انسان را بالا نمی‌برد و هیچ چیز مانند شهوت، انسان را بر زمین نمی‌زند». [۷۳]

آیت الله مکارم شیرازی

## پی نوشت ها:

۱. مریم / ۵۹ .
۲. مریم / ۶۰ .
۳. نساء / ۲۷ .
۴. عنکبوت / ۲۸ .
۵. عنکبوت / ۲۹ .
۶. عنکبوت / ۲۹ .
۷. هود / ۷۷ .
۸. هود / ۷۸ .
۹. هود / ۷۹ .
۱۰. اقمرا / ۳۴ و ۳۵ .
۱۱. هود / ۸۲ .
۱۲. هود / ۸۲ .
۱۳. اعراف / ۸۰ .
۱۴. اعراف / ۸۲ .
۱۵. اعراف / ۸۳ و ۸۴ .
۱۶. اخلاق در قرآن جلد دوم صفحه ۲۴۹ .
۱۷. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۶۱ به نقل از میزان الحکمه ، ج ۴، ص ۳۴۷۸، شماره ۲۱۴۰۰ .
۱۸. اغرر الحکم، حدیث ۸۷۶ .
۱۹. اغرر الحکم، حدیث ۲۱۲۱ .
۲۰. اغرر الحکم، حدیث ۲۴۴۰ .
۲۱. همان، حدیث ۴۵۲۷ .
۲۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۳ .
۲۳. شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۳۴ .
۲۴. اغرر الحکم، حدیث ۲۵۰۵ .
۲۵. شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۸۵ .

۲۶. همان، حدیث ۵۹۸۳ .
۲۷. غرر الحکم، حدیث ۴۴۹ .
۲۸. غرر الحکم، حدیث ۶۳۰۰ .
۲۹. غرر الحکم، حدیث ۴۸۸۵ .
۳۰. شرح غرر الحکم، حدیث ۵۵۳۳ .
۳۱. همان، حدیث ۷۰۰۱، ص ۵۶۶ غرر الحکم .
۳۲. همان، حدیث ۸۰۲۲ .
۳۳. همان، حدیث ۸۵۹۱ .
۳۴. همان، حدیث ۱۰۹۱۵ .
۳۵. فصلت / ۳۱ .
۳۶. زخرف / ۷۱ .
۳۷. بحار الانوار ج ۷۴، ص ۱۶۵ .
۳۸. ناصر خسرو
۳۹. شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۸۳ .
۴۰. همان مدرک، حدیث ۴۰۶۳ .
۴۱. همان، حدیث ۵۵۰۷ .
۴۲. غرر الحکم، حدیث ۶۳۰۰ .
۴۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۲۱۱ .
۴۴. نهج البلاغه، حدیث ۹۲۲ .
۴۵. بر سر میدان رسوایی عشق عالمی را همچو شیدایی بین (عطارد) عاشقان را چه غم از سرزنش دشمن و دوست یا غم دوست خورد یا غم رسوایی را (سعدی )
۴۶. ناصر خسرو .
۴۷. ادب الدنيا و الدين .
۴۸. شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۸۳ .
۴۹. همان مدرک، حدیث ۴۰۶۳ .
۵۰. شرح فارسی غرر الحکم حدیث ۸۵۹۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۳۱
۵۱. قیامت / ۵ و ۶ .



- ٥٢. ٥٩ / مريم .
- ٥٣. فرقان / ٢٧ تا ٢٩ .
- ٥٤. همان، حديث ٥٥٠٧ .
- ٥٥. شرح فارسي غرر، حديث ٨٢٢٦ .
- ٥٦. همان، حديث ٧٩٥٣ .
- ٥٧. همان، حديث ٧٢٠٥ .
- ٥٨. ميزان الحكمه ، جلد ٤، ص ٣٤٨٤، حديث ٢١٥٠٧ .
- ٥٩. اصول كافي، جلد ٢، ص ٣٧٣ .
- ٦٠. بحار الانوار، ج ٥٠، ص ٧٦ .
- ٦١. نهج البلاغه، كلمات قصار، جمله ٣٩٠ .
- ٦٢. بحار الانوار، ج ٧٨، ص ٧١ .
- ٦٣. غرر الحكم، شماره ٩٠٦٩ .
- ٦٤. شرح فارسي غرر الحكم، ج ٤، ص ٥١٤، ح ٦٨٠٣ .
- ٦٥. المحججه البيضاء، ج ٥، ص ١٤٥ .
- ٦٦. بقره / ٤١ .
- ٦٧. اصول كافي، ج ٢، ص ٧٩ .
- ٦٨. همان .
- ٦٩. كافي، ج ٦، ص ٢٧٠، حديث ١٠ .
- ٧٠. همان، حديث ١١ .
- ٧١. شرح غرر الحكم، رقم ١٠٦٠٦ .
- ٧٢. غرر الحكم، رقم ١٠٥٧٣ .
- ٧٣. همان، ج ٦، ص ١١٤، رقم ٩٧٠٧ .